

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره چهارم (پیاپی ۳۴)، زمستان ۱۳۹۹

شاپای چاپی ۲۳۲۲-۲۱۳۱ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

صفحات ۱۹۲-۱۷۳

بازکاوی رابطه اقتصاد فضا و سازمان سیاسی فضا

مورد: روستاهای مرزی سیستان و بلوچستان

افشین متقی*؛ دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

رضا جهانگیری‌راد؛ کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

بهاره احمدی؛ کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مرضیه سادات حسینی؛ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۵

چکیده

سازمان سیاسی فضا، یکی از وجوه جغرافیایی و مدیریتی است که با بررسی و آمایش ابعاد و شاخص‌های آن، می‌توان مطلوبیت و عدم مطلوبیت سیاست‌های اقتصادی در مکان‌های جغرافیایی را تحلیل کرد. با توجه به اهمیت استراتژیک مناطق مرزی و به‌ویژه مقیاس فضایی روستاهای مرزی، پژوهش حاضر کوشیده است تا به تحلیل فضایی شاخص‌های اقتصادی-رفاهی در روستاهای مرزی واقع در ۹ شهرستان زابل، زابلی، زاهدان، زهک، سیب و سوران، سرباز، سراوان، خاش و هیرمند در استان سیستان و بلوچستان بپردازد. پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت، علی-مقایسه‌ای است. برای رتبه‌بندی و سطح‌بندی روستاهای مرزی واقع در شهرستان‌های استان از لحاظ میزان برخورداری از شاخص‌های اقتصادی-رفاهی، از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره و تکنیک‌های Z-score استفاده شده است. نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد که روستاهای مرزی شهرستان زاهدان با وجود شناسایی به‌عنوان گزینه‌ی برخوردار، همبستگی ضعیفی (۰,۲۶۹) در تناسب با جمعیت دارد. این همبستگی ضعیف، نشانگر می‌دهد که توزیع فضایی امکانات اقتصادی-رفاهی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان با نیازهای جمعیتی نواحی مختلف آن همخوان نیست. همچنین، با توجه به عدم تناسب در توزیع فضایی شاخص‌های اقتصادی-رفاهی، می‌توان نتیجه گرفت که سازمان سیاسی فضا در استان سیستان و بلوچستان از نظر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی و توزیعی، ناکارآمد بوده است.

واژگان کلیدی: سازمان سیاسی فضا، اقتصاد فضا، آمایش اقتصادی فضا، روستاهای مرزی، سیستان و بلوچستان.

*a.mottaghi@khu.ac.ir

(۱) مقدمه

یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین جلوه‌های مدیریت فضا، بعد اقتصادی آن است. اقتصاد فضا، یکی از محورهایی است که می‌تواند کیفیت و چگونگی کارآمدی یا ناکارآمدی مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های سیاسی در کشورها را نشان دهد. در صورت ناکارآمدی سازمان سیاسی فضا، بی‌توجهی به عدم تعادل موجود در هر منطقه یا کشور، ضمن فشار به مکان، منابع و جمعیت در نقاط و کانون‌های تمرکز، منجر به کاهش بهره‌وری بهینه منابع در مناطق کم‌تمرکز و گریز جمعیت و نیروی انسانی از این مناطق گشته و در نتیجه دستیابی به توسعه پایدار نیروی انسانی را غیرممکن می‌سازد (عندلیب و مطوف ۱۳۸۸: ۵۶). از این رو، بررسی شاخص‌های عمده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و ... در سطوح مختلف خصوصاً در سطح ناحیه‌ای، هم معیاری مناسب برای تعیین جایگاه نواحی بوده و هم نیازمند اعمال ملاحظات خاص در سطح ناحیه‌ای و تعیین شرایط سازگاری و انطباق ملی-ناحیه‌ای می‌باشد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۳: ۱۰۲). آمایش فضایی^۱ باهدف شناسایی چگونگی پراکنش فضایی توسعه و شناسایی تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های فضایی پرورده شده است (یحیی‌پور و قره‌بیگی، ۱۳۹۴: ۱۵۹). بررسی نابرابری و وجود آن در محدوده‌های جغرافیایی مختلف در سال‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران قرار گرفته و وجود نابرابری در ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی محسوب می‌شود. زمانی که عدم تعادل در پراکنش فضایی شاخص‌های توسعه، شدت بیشتری به خود بگیرد، به‌صورت تصاعدی عدم تعادل فضایی امکانات و جمعیت را دامن می‌زند و ضمن تشدید تمرکز شاخص‌ها در نقاطی که هم‌اکنون از معضل تمرکز امکانات و جمعیت در رنج هستند، موجب رانش جمعیت و امکانات از مناطق محروم می‌شود و عدم تعادل در سطح فضای جغرافیایی را بیشتر می‌نماید (Adshead et al, 2016: 113). دسترسی بهینه به خدمات و امکانات اقتصادی و رفاهی یکی از پیش‌نیازهای اساسی برای تحقق توسعه پایدار انسانی به‌شمار می‌رود (Distaso, 2017: 166).

ماهیت امکانات و شاخص‌های اقتصادی-رفاهی به‌گونه‌ای است که نیاز به آن‌ها منحصر به گروه خاصی از مردم نمی‌شود و درواقع، همه‌ی انسان‌ها در تمامی سکونت‌گاه‌ها بدان نیازمند می‌باشند. فقدان یا کمبود این خدمات به‌ویژه در روستاها، شهرهای کوچک و مناطق محروم، پیامدهای منفی زیادی را به همراه خواهد داشت که مهم‌ترین آن‌ها، اثرات ناگواری است که متوجه زندگی انسان‌ها می‌کند (ضرابی و شیخ‌بیگللو، ۱۳۹۰: ۱۰۹). پژوهش حاضر، با چنین هدفی به بررسی چگونگی پراکنش توسعه‌ی شاخص‌های اقتصادی-رفاهی در سطح روستاهای مرزی واقع در استان سیستان و بلوچستان پرداخته است. با بررسی چگونگی توزیع شاخص‌های توسعه در فضاهای مرزی، می‌توان به کارآمدی یا ناکارآمدی سازمان سیاسی و اقتصادی فضا در این ناحیه پی برد. با آگاهی از اهمیت شناخت وضعیت موجود جوامع و محیط‌های جغرافیایی به‌منظور برنامه‌ریزی مطلوب برای آینده از یک‌سو و با توجه به اهمیت و ضرورت توسعه شاخص‌های اقتصادی-رفاهی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه‌ی امن، می‌توان

^۱- Spatial Management

کیفیت جغرافیای توسعه در مقیاس شهرستان‌های مرزی سیستان و بلوچستان را سنجید. از این‌رو، سؤال‌های پژوهش حاضر بدین شرح است؛

- برخورداری روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان از شاخص‌های اقتصادی-رفاهی چگونه است؟
- روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان در چه مقیاسی از شاخص‌های اقتصادی-رفاهی قرار دارند؟
- آمایش فضایی در مقیاس روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان، چه روندی از توسعه‌ی پایدار را طی کرده است؟

۲) مبانی نظری

آمایش اقتصادی مرز

کشورها معمولاً به دلایل مختلف اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی با بعضی از همسایگان خود دچار تضاد منافع هستند. این تضادها با تغییرات در حکومت‌ها حل‌وفصل نشده و به‌صورت آتش زیر خاکستر باقی می‌مانند. به‌خصوص این‌که افزایش جمعیت مناطق مزبور، فعالیت‌های ناشی از بهره‌برداری اقتصادی از توانمندی بالقوه و بالفعل محیطی، همچنین اقدامات به‌ویژه در زمینه تفاوت یا تشابه مذهبی در دو سوی مرز سیاسی امنیت را در منطقه مزبور متشنج می‌کند (Coakley, 2012: 39). در گذشته برای تأمین امنیت در مناطق مرزی نبود تهدید نظامی مطرح بود. لذا، سیاست امنیتی متوجه دستیابی به حداکثر توان نظامی برای تفوق بر دشمنان (داخلی و خارجی) و کسب امنیت است. اکنون تهدیدهای نظامی در مناطق مرزی جای خود را به بحران‌های اکولوژیکی، مسائل انواع قاچاق و بی‌ثباتی‌های دیگر داده است که برای سازمان‌دهی آن‌ها، با توجه به شرایط جغرافیایی مناطق مرزی، نیاز به برنامه‌ریزی ملی کشور در مناطق مرزی است (متقی و متقی، ۱۳۹۳: ۶۴). بنابراین، از آن برنامه‌ریزی که معطوف به مسائل انسانی و طبیعی جهت بهره‌برداری منطقی از توانمندی‌های محیطی مناطق مرزی برای دستیابی به امنیت، توسعه‌ی پایدار است، تحت عنوان آمایش مناطق مرزی یاد می‌شود (Cohen, 2019: 119). از این‌روی، آمایش مناطق مرزی، نوعی رویکرد جامع و استراتژیک به مدیریت مرز است. مراد از مدیریت مرزها، مجموعه اقدام‌های هدفمندی است که برای تثبیت و انجام بهینه‌ی کارکردهای مرز در ابعاد مختلف در طول خط مرز و مناطق مرزی انجام می‌شود. این اقدامات شامل اقدام‌های قانونی، انتظامی، سیاسی، فرهنگی، عمرانی و حتی زیست‌محیطی است (Conversi, 2014: 556).

مدیریت مرز دارای ابعاد نظامی-امنیتی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، عمرانی است. مدیریت بهینه مرزها درواقع به منصفی ظهور رساندن کارکردهای مرزها در ابعاد مختلف با حفظ ویژگی‌ها، عمران و آبادی و استفاده از توان‌های محیطی و انسانی جوامع و مناطق مرزی به‌وسیله‌ی اقدام‌های درست و به‌موقع و روش‌های صحیح است (متقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۵). درواقع، نواحی مرزی، هرچند که ممکن است فاقد امکانات لازم برای توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی باشند، اما، به سبب شرایط خاص ژئوپلیتیکی، لزوم آمایش و برنامه‌ریزی توسعه را کاملاً ضروری می‌سازند (شکوئی، ۱۳۸۴: ۸۱). لذا به‌طور کلی، ویژگی‌های مناطق مرزی که به‌عنوان اصول چهارچوب نظری آمایش مناطق مرزی بر پایه مباحث نظری در مطالعات جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: مناطق مرزی دورترین مناطق

پیرامونی از مناطق مرکزی هستند و به همین دلیل عقب‌مانده‌ترین و محروم‌ترین مناطق هستند. توسعه به شکل امواج سلسله‌مراتب و با محوریت مرکز رشد تا دورترین نواحی گسترش می‌یابد (Donnan, 2011: 43). از نظر ساختار فضایی، مناطق مرزی دارای ویژگی‌های کالبدی خاص مناطق مرزی هستند که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و در نتیجه، توسعه نیافتگی آن‌ها می‌شود. بین عوامل جغرافیایی، جمعیت و فعالیت در مناطق مرزی، روابطی برقرار است که این روابط یک ساختار و نظام فضایی را شکل می‌دهد. همچنین به میزان وجود تعادل منطقه‌ای، مرزهای فیزیکی و ذهنی حایل بین مناطق مرکزی و مناطق پیرامونی رقیق‌تر می‌شوند و در صورت عدم تعادل بین این مناطق، این مرزها ظهور و بروز بیشتری می‌یابند (عندلیب، ۱۳۹۰: ۴۱). بنابراین می‌توان «آمایش» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی - فضایی و «آمایش مناطق مرزی» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشورها دانست (Cizre, 2011: 223). با توجه به تعریف یادشده، روی هم رفته، سه استراتژی را برای آمایش مرزها می‌توان برشمرد: - استراتژی تهدید محور که پایه‌ی آن بر تهدیدزا بودن مناطق مرزی استوار است، بر این مبنا تهدیدها در مناطق مرزی بیشتر از فرصت‌ها است و از این رو، شاکله‌ی مدیریت و واپایش مرزی کشور در قالب واپایش شدید امنیتی شکل می‌گیرد و مرزها به عنوان مناطقی نظامی و امنیتی در اختیار قوای نظامی و دستگاه‌های امنیتی است. بر مبنای استراتژی تهدید محور برای اداره‌ی مرز، مدیریت نظامی و انتظامی دیکته می‌شود (پیشگاهی فرد و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۰: ۱۱۴).

- استراتژی فرصت‌محور: در این استراتژی، وزن سنگینی به فرصت‌سازی و فرصت‌زایی مرزها داده می‌شود و ایده‌آل‌ترین شیوه‌ی مدیریت این استراتژی، بهره‌مندی حداکثر از فرصت‌ها و امکانات مرزی است. این امر سبب توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و به خصوص مناطق مرزی می‌شود و به تبع آن، بسیاری از تهدیدها از بین می‌رود. در این استراتژی، مدیریت کارکردی بهترین شیوه‌ی اداره و آیش مرز است (Cunningham, 2012: 193).

- استراتژی تلفیقی: این استراتژی، نگرشی ترکیبی به مسائل و مناطق مرزی دارد و جنبه‌های فرصت و تهدید را به شکل همه جانبه در مدیریت مرزی در نظر دارد. بر اساس، استراتژی تلفیقی در عین حال که مرزها و مناطق مرزی دارای ظرفیت‌های مناسب برای توسعه و تولید قدرت برای کشور هستند، این مناطق را مصون از تهدید و آسیب نمی‌داند. بر مبنای این استراتژی، بهترین الگوی مدیریتی برای مرزها، مدیریت ترکیبی است (اخباری و نامی، ۱۳۸۹: ۴۷-۴۵). نکته‌ی اساسی در این استراتژی، همبسته بودن توسعه‌ی فضایی با امنیت است. بدین معنی که با افزایش توسعه و توزیع دادگرانه‌ی شاخص‌های توسعه در فضا، می‌توان انتظار داشت که وضعیت امنیتی منطقه نیز بهبود یابد.

از این رو، سنجش اقتصاد فضا در چارچوب و با محوریت آمایشی، دید همه‌جانبه به فضای تحت پوشش یک سرزمین باعث می‌شود که سازمان سیاسی و اقتصادی فضا بر اساس قابلیت هر منطقه و اثرات نتایج آن در سطح ملی، نقش خاصی را به آن منطقه دهد. برای دستیابی به توسعه پایدار، تدوین برنامه برای رسیدن به بالاترین میزان استفاده از منابع موجود، الگوی ساخت تعادل فضایی، هماهنگی رویکردهای اقتصادی

کشور، تلفیق و به‌کارگیری فرهنگ‌های قومی موجود در کشور، پررنگ کردن نقش مناطق و ایجاد این نقش برای آن‌ها و فراهم‌سازی بستر مناسب برای رشد با توجه به ویژگی‌های هر منطقه، امری ضروری است. درواقع، آمایش اقتصادی فضا تلفیقی از نظام اسکان جمعیت با ساختار فضایی فعالیت‌های اقتصادی-رفاهی با در نظر گرفتن معیارهای جغرافیای انسانی و باهدف توسعه پایدار ملی است. ازاین‌روی، آنچه آمایش اقتصادی فضا بر آن تأکید دارد، از مهم‌ترین دغدغه‌های جغرافیا است. بر همین اساس، می‌توان «جغرافیا» را تبیین نوع استقرار و توزیع جمعیت و توسعه در عرصه‌ی سرزمین دانست و «آمایش» را تنظیم رابطه‌ی میان این عناصر به‌حساب آورد. در جغرافیا و آمایش سرزمین، سه عنصر اساسی وجود دارند که زمینه‌های اصلی مطالعات آمایش را شکل می‌دهند: انسان، فضا و فعالیت (Bradley, 2012: 13). به همان میزان که جغرافیا به شناخت روابط انسان و فضا و تعامل بین آن‌ها می‌پردازد، آمایش اقتصادی فضا نیز در پی اصلاح این روابط و تعامل میان انسان و فضای جغرافیایی آن است (Bucken-Knapp, 2013: 23). درواقع، آمایش اقتصادی فضا یک جنبش جغرافیایی در جهان مدرن برای اصلاح روابط انسان و فضای جغرافیایی است. در دوران نوزایی (رنسانس) که بهره‌کشی از محیط تحت هر شرایطی در محوریت برنامه‌های توسعه قرار گرفته بود، تفکر آمایش اقتصادی فضا واکنشی علمی و عملی علیه این رویه‌ی طبیعت‌ستیزانه به‌شمار می‌رفت (Donnan, 2012: 16). درواقع، هدف جغرافیا و آمایش اقتصادی فضا همسان است؛ اما در اثر اوج‌گیری علوم مهندسی و کمی که سبب به حاشیه رفتن علوم انسانی و ازجمله جغرافیای انسانی شده بود، آمایش اقتصادی فضا به نحوی یک رنسانس و به عبارتی، بیداری جغرافیایی در میان اندیشمندان و سیاست‌مداران در دوران مدرن ایجاد کرد (Busch, 2013: 33). از همین روی، توجه به عدالت جغرافیایی و تعادل میان فضاهای محلی، منطقه‌ای و ملی در محوریت آمایش اقتصادی فضا قرار گرفت. اثرات مثبت آمایش اقتصادی فضا سبب حمایت و حفاظت از فضاهای جغرافیایی شد و این امر به توسعه‌ی پایدار جامعه‌ی بشری نیز یاری رساند (Bufon, 2012: 182). روی‌هم‌رفته، آمایش اقتصادی فضا از سه مرحله تشکیل‌شده است: مرحله اول، تهیه طرح پایه سرزمین، مرحله دوم تهیه طرح آمایش مناطق و مرحله سوم تهیه برنامه توسعه مناطق (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۷). قبل از اجرای این سه مرحله، باید موارد زیر را موردبررسی قرارداد:

- شناخت سرزمین و قابلیت مناطق آن؛
- ایجاد رفاه و توسعه برای بوجود آوردن الگوی متوازن پراکنش جمعیت؛
- نقش دادن تخصصی به مناطق با توجه به قابلیت‌های آن؛
- توجه به مناسبات جهانی در تنظیم استراتژی درازمدت توسعه ملی؛
- توجه به محیط‌زیست.

آمایش اقتصادی-سیاسی فضا در ایران

پیشینه‌ی آمایش اقتصادی فضا در ایران به حدود ۵۰ سال می‌رسد و چالش‌های به‌وجود آمده در این راه، مانع از تحقق اهداف مدنظر برای آمایش اقتصادی فضا گردیده است. جدول ۱، دوره‌بندی آمایش در ایران و موانع موجود در این راه را تشریح کرده است.

جدول ۱. دوره‌های مختلف آمایش در ایران

دوره	سال اجرا	فعالیت‌های برنامه‌ریزی و آمایشی	چالش‌های به‌وجود آمده
دوره اول	۱۳۵۴-۱۳۴۲	شکل‌گیری مفهوم آمایش سرزمین	کم‌توجهی حاکمان وقت
دوره دوم	۱۳۵۴-۱۳۵۶	مطالعات گروه ستیران	شکل‌گیری فرایند انقلاب اسلامی
دوره سوم	۱۳۶۲-۱۳۶۸	مطالعات طرح آمایش اقتصادی فضا ایران	وقوع جنگ ۸ ساله تحمیلی
دوره چهارم	۱۳۶۸-۱۳۷۶	رکود آمایش اقتصادی فضا در ایران	مشکلات سازندگی بعد از جنگ
دوره پنجم	۱۳۸۴-۱۳۷۶	مطالعات نظریه پایه توسعه ملی	شتاب‌زدگی و نبود شرایط
دوره ششم	۱۳۸۴ تاکنون	رکود دوباره طرح آمایش سرزمین	چالش ناشی از نگرش دولت

منبع: شریف‌زادگان و رضوی دهکردی، ۱۳۸۹

آغاز آمایش اقتصادی فضا در ایران و ارائه برنامه‌ریزی برای آن، به موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران در بهمن‌ماه ۱۳۴۵ و با موضوعیت افزایش جمعیت شهر تهران و سیاست پیرامونی عمرانی بازمی‌گردد (توفیق، ۱۳۹۴: ۲). آمایش اقتصادی فضا در ایران به دو دوره قبل و بعد از انقلاب تقسیم می‌شود. آمایش سرزمین، قبل از انقلاب متأثر از الگوی کشور فرانسه و شهر پاریس بوده است و مهم‌ترین دلیل آن را شاید بتوان چالش‌های مشترک به‌وجود آمده، میان تهران و پاریس و همچنین ناهماهنگی توسعه مناطق (شهر و روستا) و در پی آن، تخلیه روستاها و ازدیاد مهاجرت به شهر دانست (پوراحمد، ۱۳۹۰: ۴۸۱). پس از انقلاب تا سال ۱۳۶۱ توجه خاصی به مسئله برنامه‌ریزی فضایی و آمایش اقتصادی فضا نشده است. بین سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ مطالعات طرح پایه آمایش اقتصادی فضا در ۶ جلد توسط دفتر آمایش سازمان برنامه‌وبودجه منتشر شد. در سال ۱۳۶۸ بعد از ارائه استراتژی بلندمدت، سند ۲۴ جلدی تحت عنوان چارچوب نظری توسعه پایه استان‌ها، برای هر یک از ۲۴ استان کشور تهیه گردید. در دهه ۱۳۷۰ برخلاف دهه ۱۳۶۰ که بر تناسب میان جمعیت، توسعه و محیط‌زیست تأکید داشت، مقولات اجتماعی در آن اضافه شد. اوایل دهه ۱۳۸۰، تهیه برنامه افق ۱۴۰۴ مهم‌ترین رویکرد به آمایش اقتصادی فضا و ضرورت برنامه‌ریزی فضایی در کشور بوده است (کلانتری و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۳۷-۳۳۰).

جدول ۲. جایگاه آمایش در برنامه‌های توسعه عمرانی ادوار مختلف ایران (قبل و بعد از انقلاب)

دوره	برنامه‌های توسعه	سال برنامه	رویکردهای آمایشی در طرح‌های توسعه
قبل از انقلاب	برنامه اول	۱۳۳۴- ۱۳۲۷	در برنامه اول رویکردی نسبت به آمایش اقتصادی فضا صورت نگرفته و شاید در ماده ۲ تبصره ۵ بتوان برنامه‌ریزی در بخش‌های تولیدی، عمرانی و کشاورزی مشاهده کرد.
	برنامه دوم	۱۳۴۱- ۱۳۳۴	در ماده هفتم برنامه دوم توسعه اشاره‌ای به روند برنامه‌ریزی آمایش اقتصادی فضا شده است و در آن مقرر گردید سازمان برنامه تا آنجایی که ممکن است عملیات عمرانی بین استان‌ها و شهرستان‌های مختلف را با توجه به استعداد و امکانات طبیعی تقسیم کند.
	برنامه سوم	۱۳۴۶- ۱۳۴۱	برنامه سوم به‌صورت یک برنامه جامع توسعه اقتصادی-اجتماعی تدوین شد. مهم‌ترین عملکرد برنامه‌ریزی در برنامه‌ی سوم استقلال سازمان برنامه‌ریزی در فصل سوم بود.
	برنامه چهارم	۱۳۵۱- ۱۳۴۷	تحول برنامه‌ریزی در برنامه چهارم به دو برنامه کلان و برنامه بخشی تنظیم شد. همچنین مقرر شد برنامه عمرانی استان‌ها با توجه به نظر نمایندگان و استانداران تهیه شود. در برنامه چهارم برای اولین بار به موضوع برنامه‌ریزی آمایشی به‌عنوان فرایند ملی توجه و بر تنظیم این برنامه‌ها طبق قابلیت‌ها و نیازهای مناطق تأکید شد.
	برنامه پنجم	۱۳۵۶- ۱۳۵۲	رویکردهای آمایش اقتصادی فضا در برنامه‌های قبل و افزایش قیمت نفت، مسئولان را بر آن داشت تا در تنظیم سند برنامه پنجم توسعه به آمایش اقتصادی فضا در تهیه برنامه‌های خود توجه کنند. تأسیس مرکز آمایش اقتصادی فضا در بهمن ۱۳۵۳ از مهم‌ترین امور بود.
	برنامه اول	۱۳۷۲- ۱۳۶۸	باوجود ارائه برنامه بلندمدت بیست‌ساله و تعدادی پروژه سالانه، برنامه توسعه پنج‌ساله به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید.
بعد از انقلاب	برنامه دوم	۱۳۷۸- ۱۳۷۴	خطمشی‌های ملی و منطقه‌ای آمایش اقتصادی فضا به تصویب شورای اقتصاد رسید اما در پیوست نهایی تنها خطمشی‌های آمایش اقتصادی فضا درج گردید.
	برنامه سوم	۱۳۸۳- ۱۳۷۹	در فصل شانزدهم قانون برنامه سوم، به آمایش اقتصادی فضا پرداخته شد و در آن عوامل اصلی شکل‌گیری سازمان فضایی، تشریح وضع موجود توزیع فعالیت‌ها، بررسی نقاط قوت و ضعف پرداخته شد.
	برنامه چهارم	۱۳۸۴- ۱۳۸۸	فصل ششم برنامه چهارم به آمایش اقتصادی فضا و توازن منطقه‌ای اختصاص یافت.
	برنامه پنجم	۱۳۸۸- ۱۳۹۴	تشکیل کمیسیون برنامه‌ریزی فضایی و توسعه منطقه‌ای برای رفع مشکلات توسعه فضایی کشور در ادوار مختلف.

منبع: متقی و صادقی، ۱۳۹۴

در تحقیقات داخلی، شهرکی مقدم و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی به بررسی ترانزیت جاده‌ای و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی منطقه سیستان با تأکید بر اقتصاد روستایی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که از بین شاخص‌های توسعه اقتصاد روستایی، متأثر از ترانزیت جاده‌ای مؤلفه ایجاد اشتغال، بالاترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. نتایج آزمون T تک نمونه‌ای، گویای تأثیر زیاد ترانزیت جاده‌ای بر توسعه اقتصاد

روستایی شهرستان‌های منطقه سیستان می‌باشد. همچنین نتایج آزمون کای‌اسکویر نشان داد که ارتباط معنادار و مثبت بین ترانزیت جاده‌ای و توسعه اقتصاد روستایی منطقه سیستان وجود دارد. در نهایت نتایج آزمون فریدمن نشان داد، از بین شهرستان‌های مورد مطالعه، شهرستان‌های زابل با امتیاز (۴/۷۸)، نیمروز با امتیاز (۳/۱۱)، بالاترین و پایین‌ترین امتیاز را به لحاظ توسعه اقتصاد روستایی با تأکید بر ترانزیت جاده‌ای به خود اختصاص داده‌اند.

رمضانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به واکاوی جایگاه عملکرد درونی مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های محیطی- اکولوژیکی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی- فضایی، در فراگرد توسعه اقتصاد روستایی در شهرستان بانه پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق، نشان داد که رابطه معنادار بین شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر وجود دارد و نامناسب بودن جایگاه شاخص‌های عملکرد درونی مدیریت محلی را در ارتقای سرمایه اجتماعی، بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در فراگرد توسعه اقتصاد روستایی آشکار ساخت. به سخن دیگر، باینکه سرمایه اجتماعی و مشارکت مولد و فعالانه‌ی ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی، تضمین‌کننده پایداری اقتصادی و توسعه اقتصادی روستاهاست، لیکن عملکرد درونی مدیریت محلی مبتنی بر رویکرد حکومت‌محور و از بالا به پایین موجب سرمایه اجتماعی و مشارکت نامولد و منفعلانه در محدوده مورد مطالعه شده و نتوانسته زمینه‌های ارتقای آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی، شکل اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و بهبود مشارکت اجتماعی ذی‌نفعان محلی را در طرح‌ها و برنامه‌ها، در توسعه اقتصادی روستاها فراهم آورد. بنابراین نیازمند تغییر و اصلاح رویکرد حاکم بر نظام مدیریت روستایی و گذار از وضعیت مدیریت آمرانه و تمرکزگرایانه به مدیریت مشارکتی و تمرکز زدا و توجه به عوامل تسهیل‌کننده عملکرد درونی مدیریت محلی همچون: افزایش سطح آگاهی و دانش، تقویت انگیزه و حس تعلق مکانی، افزایش میزان رضایت و تقویت امنیت شغلی مدیران محلی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری، در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی، در فرآیند توسعه اقتصاد روستایی است.

در تحقیقی دیگر، آخوندی قهرودی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی به تحلیل فضایی زیست‌پذیری اقتصادی در روستاهای شهرستان ری پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق، که نتایج حاصل از تحلیل موران دومتغیره است، نشان می‌دهد که ۱۴ روستا از ۹۸ روستای مورد مطالعه، در وضعیت کاملاً مطلوب، ۳۷ روستا در وضعیت متوسط و ۴۸ روستا در وضعیت نامطلوب قرار دارند. بزرگ‌ترین لکه داغ در شمال شرق شهرستان واقع شده و روستاهای قرارگرفته در این لکه دارای زیست‌پذیری اقتصادی بالایی هستند و در مجاور همدیگر قرارگرفته‌اند. بزرگ‌ترین لکه سرد نیز در جنوب غرب شهرستان قرارگرفته است.

متقی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «تحلیل فضایی توسعه نواحی مرزی شرق کشور مورد: دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی» به این نتیجه دست‌یافته‌اند که سازمان فضایی در دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی، به شدت نامتوازن و نامتجانس است. این تحقیق با استفاده ۲۳

شاخص از شاخص‌های توسعه پایدار، همچنین به این نتیجه دست‌یافته است که هیچ‌کدام از دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی از حداقل شاخص‌های توسعه پایدار برخوردار نیستند.

دیمین کاشفی دوست و علی حاجی‌زاده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای بانام «ارزیابی کاربری اراضی شهری با رویکرد توسعه پایدار (مورد مطالعه: پیرانشهر)» به ارزیابی کمی و کیفی کاربری اراضی شهری با رویکرد توسعه پایدار در شهر پیرانشهر پرداخته‌اند. بدین منظور سه شاخص ظرفیت، سازگاری و عدالت اجتماعی در راستای توسعه پایدار به کار گرفته شده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که بی‌تعدالی و ناهماهنگی بین کاربری‌های شهری در پیرانشهر ضریب بالایی دارد که از عدم دقت نظر کافی برنامه‌ریزان شهری ناشی می‌شود.

سیدحسن صدوق (۱۳۹۱)، در کتاب «جغرافیا، اقتصاد فضا و آمایش سرزمین»، روابط میان فضا و فعالیت‌های اقتصادی و مسائل آمایش سرزمین را تحلیل کرده است. وی، فضا را عنصر محدودکننده حرکت، بستر فعالیت‌های بخش کشاورزی و فعالیت‌های صنعتی و خدماتی می‌داند و بر این اساس به تحلیل مکان‌گزینی فعالیت‌های اقتصادی و مسائل آمایشی پرداخته است. صدوق، فضا و به‌ویژه وجه اقتصادی آن را معیار آمایش اقتصادی فضا می‌داند.

علیرضا عندلیب (۱۳۸۰)، در کتاب خود با عنوان «نظریه‌ی پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران»، سعی نموده تا جایگاه و حساسیت مناطق مرزی را به لحاظ عملی و نظری در برنامه‌ی آمایش اقتصادی فضا تبیین نماید. البته در این کتاب برخلاف عنوان آن، که به‌صورت موردی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده است، به‌جز اشاره به نظریات کلی و دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی آمایش سرزمین و آمایش مناطق مرزی، به‌صورت موردی به وضعیت مناطق مرزی ایران پرداخته نشده است.

در پژوهش‌های خارجی نیز، کمیسیون اقتصادی اروپا در ژنو (۲۰۰۸)، گزارشی علمی با عنوان «برنامه‌ریزی فضایی؛ ابزار کلیدی برای توسعه و حکمروایی مؤثر با توجه ویژه به کشورهای در حال گذار»؛ ارائه داده است. نکته‌ی قابل‌توجه این کتاب، شرح عملکرد و وظایف دولت ملی و محلی در مقیاس خرد و کلان در برنامه‌ی آمایش اقتصادی فضا است که تا از نگاه بخشی‌نگر و ناهماهنگ در مدیریت فضا، پیشگیری شود.

گراهام هاوگتون^۲ (۲۰۰۹)، در کتاب «برنامه‌ریزی فضایی جدید: مدیریت سرزمینی با فضاهای نرم و مرزهای فازی»^۳ معتقد است که برنامه‌ریزی فضایی، نگاه و توجهی کل‌گرا، راهبردی، جامع، منسجم و هماهنگ‌تر از رویکردهای پیشین به توسعه پایدار دارد. از نظرگاه هاوگتون، برای مدیریت مرزهایی که از ترکیب چندپاره‌ی قومیت‌ها و نژادها به‌وجود آمده‌اند، به‌کارگیری سازماندهی فضایی چندجانبه و

^۱. Spatial Planning: Fundamental Key to Development and Effective Governance with Spatial Perspective to Developing Countries

^۲. Graham Haughton

^۳. New Spatial Planning: Territorial Management with Soft Spaces and Fuzzy Boundaries

ترکیبی ضرورت دارد. آمایش اقتصادی فضا به مثابه‌ی یک رویکرد جامع و همه‌سویگر، می‌تواند مدیریت چنین مرزهایی را بهینه کند.

ایوان توسیس^۱، هانا اسمژو^۲، دورا ایلز^۳ و آنتال گرثیس^۴ (۲۰۱۵)، در کتاب خود با عنوان «سیاست‌گذاری‌های برنامه‌ریزی فضای ملی و نوع حاکمیت»^۵ گزارشی درباره‌ی برنامه‌ریزی در فضای ملی و ارتباط آن با نوع حاکمیت در اتحادیه‌ی اروپا ارائه داده‌اند. هدف از این کتاب که به‌صورت یک برنامه‌ی کاری ارائه‌شده است، برنامه‌ریزی توسعه‌ی مناطق شهری و روستایی است. توسیس و همکاران در این کتاب، به بررسی نوع حاکمیت ملی در کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی فضایی در مقیاس ملی می‌پردازند. در این کتاب به‌صورت کلی، رابطه‌ی نوع حاکمیت در کشورهای اروپایی با آمایش در مقیاس ملی موردتوجه قرار گرفته است. روی‌هم‌رفته، کتاب «سیاست‌گذاری‌های برنامه‌ریزی فضای ملی و نوع حاکمیت»، نوعی چهارچوب نهادی برنامه‌ی آمایش اقتصادی فضا است.

در تحقیقی دیگر، برایانز^۶ (۲۰۲۰) به بررسی تحولات یک دهه‌ی اخیر اقتصاد روستایی در قاره‌ی آسیا پرداخته است. آمارهای موردنیاز این تحقیق که از طریق سازمان غذا و دارو وابسته به سازمان ملل جمع‌آوری گردیده، نشان می‌دهد که در کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه ایران، ترکیه و مصر موج فزاینده‌ی تخلیه و فرسایش اقتصاد روستایی رخ داده است؛ به‌گونه‌ای که اغلب روستاهای این سه کشور، دارای جمعیت کم، اقتصاد وابسته به شهر و کاملاً مصرفی است.

(۳) روش تحقیق

تحقیق حاضر، از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی است. شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها، به طریق اسنادی و کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. برای تحلیل داده‌ها ابتدا با استفاده از تکنیک‌های Z-score و ضریب همبستگی اسپیرمن، وضعیت توزیع و میزان همبستگی و تناسب رتبه شاخص ترکیبی برخورداری امکانات و خدمات بهداشتی- درمانی در مقایسه با رتبه جمعیتی روستاهای مرزی موردبررسی قرار گرفت. سپس به‌منظور تحلیل دقیق‌تر و تعیین رتبه برخورداری روستاها در هر شهرستان و به‌تبع آن تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری از تکنیک TOPSIS استفاده شد. از روش AHP برای وزن دهی به شاخص‌ها و از روش تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی برای سطح‌بندی روستاها به تفکیک شهرستان استفاده گردید. از نرم‌افزارهای Excel و SPSS، برای انجام تحلیل‌های آماری و ArcGIS به‌منظور ترسیم نقشه‌های استفاده‌شده است.

محدوده و قلمرو پژوهش حاضر، روستاهای مرزی واقع در ۹ شهرستان مرزی استان سیستان و بلوچستان است. استان سیستان و بلوچستان با مختصات جغرافیایی ۲۵°۰۴' تا ۳۱°۲۹' عرض شمالی و

^۱. Iván Tosics

^۲. Hanna Szemző

^۳. Dóra Illés

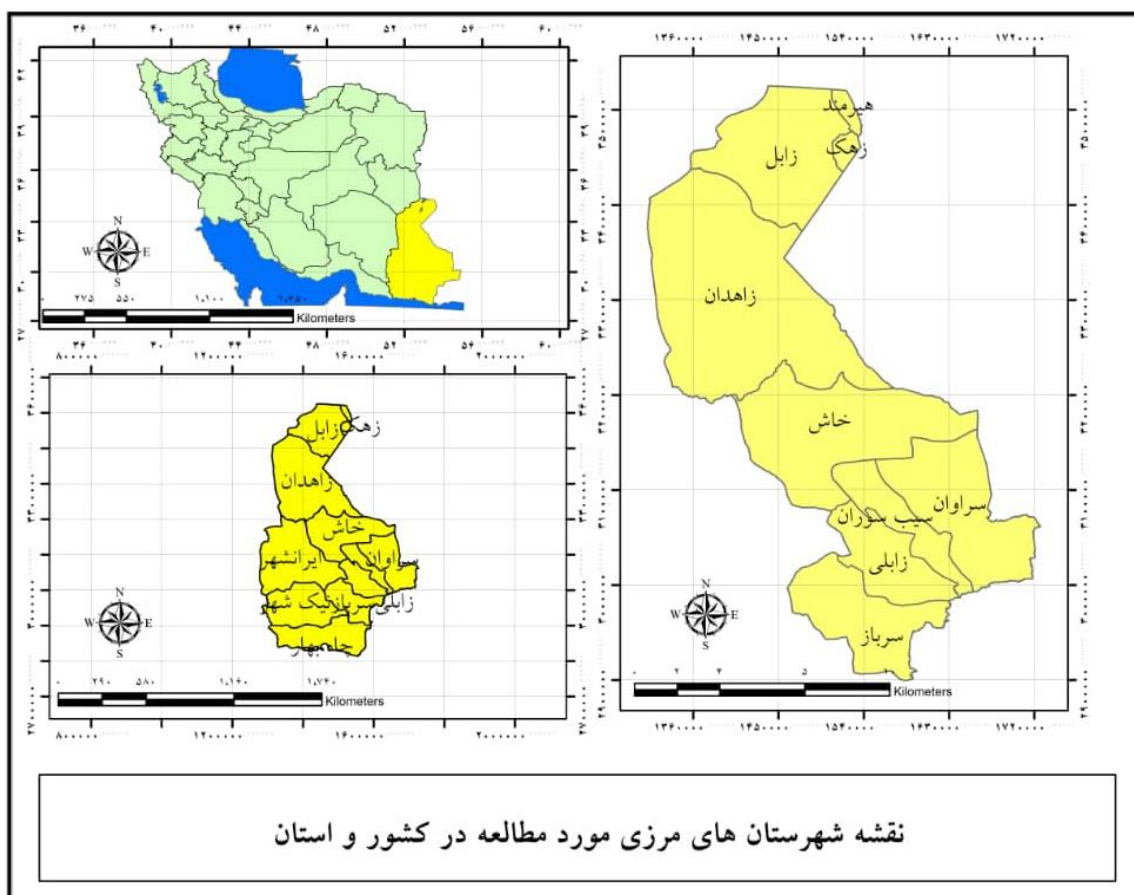
^۴. Antal Gertheis

^۵. National Spatial Planning Policies and Governance Typology

^۶. Institutional Framework

^۷. Briones

۵۵°۵۸ تا ۶۳°۲۰ طول شرقی و وسعت ۱۷۸۴۳۱ کیلومتر، ۱۰/۹ درصد از مساحت ایران را تشکیل می‌دهد. این استان از شرق و شمال شرق با کشورهای پاکستان و افغانستان، از شمال با استان خراسان جنوبی، از غرب با استان‌های کرمان و هرمزگان و از جنوب با دریای عمان همسایه است. طبق آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵، این استان جمعیتی برابر با ۲۰۷۷۵۰۱۴ نفر می‌باشد. از منظر تقسیمات درونی، سیستان و بلوچستان دارای ۱۰ شهرستان است که در پژوهش حاضر، تعداد ۹ شهرستان آن، شامل شهرستان‌های شامل شهرستان‌های زاهدان، زابل، زابلی، سرباز، سیب و سوران، سراوان، زهک، هیرمند و خاش بررسی شده است (شکل ۲). واحد آماری تحقیق، ۹ شهرستان مرزی هستند که روستاهای موجود در آن‌ها در شرایط مرزی قرار دارند. جامعه آماری، شاخص‌های برخورداری از خدمات و امکانات اقتصادی-رفاهی است که از سالنامه‌ی آماری کشور در سال ۱۳۹۷ اخذ گردیده است.



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۴) یافته‌های تحقیق

روی هم‌رفته، شاخص‌های اقتصادی و رفاهی مرتبط با اقتصاد فضا در چند گروه کلی مطرح می‌شوند (زاهدی اصل، ۱۳۹۱)؛ گروه نخست؛ شاخص‌های فردی شامل: متغیرهای طول زندگی (نرخ امید به زندگی، نرخ مرگ‌ومیر عمومی، نرخ مرگ‌ومیر کودکان کمتر از یک سال، نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج

سال و نرخ مرگومیر بر اثر زایمان) و متغیرهای زندگی سالم شامل (میزان پس انداز، درآمد سالیانه، امید به زندگی، امنیت شغلی، درصد اهم بیماری‌ها، دفعات مراجعه‌ی سرپایی، تعداد بیماران بستری). گروه دوم؛ شاخص‌های دسترسی به امکانات اقتصادی- اجتماعی شامل: متغیرهای نسبت جمعیت به نیروی انسانی شاغل و متغیرهای نسبت جمعیت به تسهیلات اقتصادی- اجتماعی (نسبت جمعیت به مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، کتابفروشی‌ها، مراکز خرید، تخت بیمارستانی، نسبت جمعیت به آزمایشگاه، داروخانه، درمانگاه، رادیولوژی). گروه سوم؛ متغیرهای محیطی شامل: متغیرهای درآمدی (درآمد سالیانه، نوع مسکن، میزان پوشش بیمه و خدمات تأمین اجتماعی، تعداد کارخانه‌ها و کارگاه‌های فعال) و متغیرهای پیشگیری (نرخ رضایت شغلی، نرخ وقوع جرایم، تراز امنیت محیطی). با توجه به شاخص‌های مطرح‌شده، در پژوهش حاضر، ترکیبی از همه‌ی شاخص‌های ذکرشده، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بر این اساس، شاخص‌های موردبررسی عبارت‌اند از:

۱- تعداد کارخانه و کارگاه فعال به هزار نفر ۲- تعداد دانشگاه به هزار نفر ۳- تعداد مدارس (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) به هزار نفر ۴- تعداد مراکز بهداشتی و درمانی به هزار نفر ۵- میانگین درآمد سالانه به ازای هر هزار نفر ۶- تعداد پوشش خدمات تأمین اجتماعی به هزار نفر ۷- تعداد مرگومیر سالانه‌ی کودکان زیر پنج سال به هزار نفر ۸- تعداد کتابخانه و کتابفروشی به هزار نفر ۹- تعداد مراکز خرید به هزار نفر.

جدول ۳. ماتریس شاخص‌های اقتصادی و رفاهی روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان

ردیف	نام شهرستان	خدمات تأمین اجتماعی	کارخانه و کارگاه فعال	مراکز بهداشتی درمانی فعال	مراکز	دانشگاه	مراکز خرید	کتابخانه و کتابفروشی	نرخ سالانه‌ی کودکان	درآمد سالانه
۱	سراوان	۴/۶۰۱	۷/۲۳۰	۰/۸۷۶	۰/۲۱۹	۰/۴۳۸	۰/۲۱۹	۰/۰۰۰	۳/۷۲۵	۰/۶۵۷
۲	هیرمند	۸/۵۳۹	۲/۵۴۰	۱/۱۶۲	۰/۳۵۱	۰/۸۱۱	۰/۱۸۹	۰/۱۰۸	۰/۹۴۶	۱/۶۲۱
۳	سیب و سوران	۶/۲۵۲	۵/۳۹۹	۱/۵۱۶	۰/۲۸۴	۰/۴۷۴	۰/۱۸۹	۰/۱۸۹	۲/۱۷۹	۰/۸۵۲
۴	سرباز	۸/۸۳۴	۳/۴۳۵	۰/۹۸۲	۰/۳۲۷	۰/۸۱۸	۰/۲۷۳	۰/۲۱۸	۱/۹۶۳	۱/۲۵۴
۵	زهک	۸/۷۶۰	۵/۳۲۲	۱/۴۴۱	۰/۶۶۵	۰/۷۷۶	۰/۱۱۱	۰/۲۲۲	۲/۶۶۱	۱/۲۲۰
۶	خاش	۸/۳۳۳	۵/۲۷۲	۱/۱۹۰	۰/۵۱۰	۰/۶۸۰	۰/۲۸۳	۰/۱۷۰	۱/۹۸۴	۱/۱۹۰
۷	زاهدان	۱۰/۵۴۵	۳/۱۳۴	۱/۲۴۳	۰/۴۹۷	۰/۹۹۵	۰/۱۹۹	۰/۳۴۸	۱/۳۹۳	۱/۸۹۰
۸	زابلی	۸/۴۱۲	۳/۷۲۰	۱/۰۵۱	۰/۴۰۴	۰/۳۴۷	۰/۲۴۳	۰/۲۴۳	۱/۸۲۰	۱/۴۹۶
۹	زابلی	۹/۱۹۷	۳/۲۰۶	۰/۳۵۰	۰/۵۰۶	۰/۹۲۸	۰/۲۵۳	۰/۲۵۳	۲/۶۱۶	۲/۲۷۸

منبع: سالنامه‌ی آماری سال ۱۳۹۷

همچنین، در پژوهش حاضر، از روش AHP برای وزن‌دهی شاخص‌ها استفاده‌شده و وزن شاخص‌ها به‌صورت آنچه در جدول ۴ نشان داده شد، به‌دست‌آمده است.

جدول ۴. ضریب اهمیت و وزن شاخص‌های مورد بررسی، محاسبه شده به روش AHP

شاخص	اجتماعی	خدمات تأمین	کارگاه فعال	کارخانه و	درمانی فعال	مرکز بهداشتی	مبارش	دانشگاه	مرکز خرید	کتابخانه و	مرکز کودکاز	نرخ سالانه	درآمد سالانه
وزن	۰/۳۰۱	۰/۳۶۵	۰/۲۰۱	۰/۲۰۷	۰/۱۱۳	۰/۰۱۳	۰/۳۵	۰/۳۱	۰/۳۰۹				

سازوکاری که مدل AHP برای بررسی میزان ناسازگاری در قضاوت‌ها در نظر می‌گیرد، محاسبه ضریبی به نام «نرخ ناسازگاری»^۱ است که از تقسیم «شاخص ناسازگاری»^۲ به «شاخص تصادفی بودن»^۳ حاصل می‌شود (عزت‌پناه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱). چنانچه این ضریب کوچک‌تر از ۰/۱ باشد، سازگاری در قضاوت‌ها مورد قبول است (ملک حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۶). شاخص‌های تصادفی بودن با توجه به تعداد شاخص‌ها و از جدول ۵، قابل استخراج است.

جدول ۵. شاخص تصادفی بودن (R.L)

N	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
R.I	۰/۰	۰/۵۸	۰/۹	۱/۱۲	۱/۱	۱/۳۲	۱/۴۱	۱/۴۵	۱/۴۹

منبع: Bowen, 2014

در پژوهش حاضر، حاصل بررسی نرخ سازگاری قضاوت‌های انجام گرفته برای تعیین وزن شاخص‌ها برابر با ۰/۰۰۱ محاسبه گردید که نشان می‌دهد سازگاری در قضاوت‌ها رعایت شده است و به منظور بررسی آمایش فضایی، نخست به کمک تکنیک Z-score شاخص ترکیبی توسعه‌ی هریک از روستاهای مرزی واقع در شهرستان‌های مرزی استان محاسبه گردید و سپس با بهره‌گیری از ضریب همبستگی اسپیرمن، میزان تناسب و همبستگی رتبه‌ی شاخص‌های اقتصادی-رفاهی با رتبه‌ی جمعیت روستاهای واقع در شهرستان‌های مورد مطالعه مقایسه شد. نتایج حاصل از این مقایسه بیانگر وجود تناسب و همبستگی پایین (۰/۲۶۹) بین نیاز جمعیتی و وضعیت برخورداری از شاخص‌های اقتصادی-رفاهی و در نتیجه، توزیع فضایی ناهمگن و نامناسب امکانات و خدمات اقتصادی-رفاهی در سطح روستاهای مرزی واقع در ۹ شهرستان از مجموع کل شهرستان‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان است. اختلاف میان رتبه جمعیتی و رتبه‌ی توسعه در روستاهای مرزی واقع در شهرستان‌های زهک، خاش و سراوان بیش از روستاهای دیگر شهرستان‌ها است.

۱- Inconsistency Ratio (IR)

۲- Inconsistency Index (II)

۳- Random Index (RI)

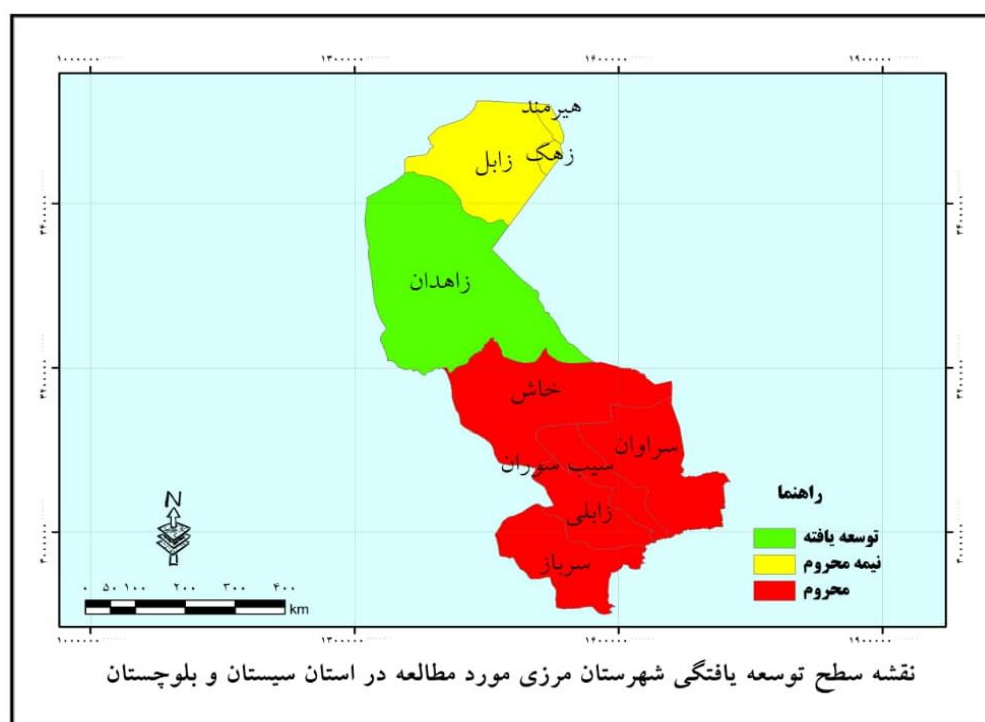
جدول ۵. میزان همبستگی میان رتبه‌ی جمعیتی و رتبه‌ی برخورداری شاخص‌های اقتصادی-رفاهی روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان

Correlations			P	Z
Spearman's rho	P	Correlation Coefficient	1.000	269.
		Sig. (2-tailed)	.	187.
		N	13	15
	Z	Correlation Coefficient	269.	1.000
		Sig. (2-tailed)	187.	.
		N	14	14

بر این اساس، می‌توان قضاوت نهایی را برای رتبه‌بندی روستاهای مرزی مورد مطالعه انجام داد. به عبارت دیگر، بر اساس یافته‌های جدول ۵، می‌توان درجه و رتبه‌ی برخورداری هر یک از روستاهای مرزی واقع در شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان از شاخص‌های مورد مطالعه را تعیین کرد. باین حال، در این تحقیق برای بررسی دقیق‌تر و تعیین رتبه‌ی هر روستا از لحاظ شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی، با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای، شهرستان‌های استان که بازتابی از فضای کلی حاکم بر شاخص‌های اقتصادی-رفاهی روستاهای خود نیز هستند، در سه گروه کلی برخورداری (توسعه‌یافته)، نیمه‌برخورداری (در حال توسعه/ نیمه‌محروم) و فاقد توسعه (محروم) طبقه‌بندی شدند. نتایج به دست آمده بر این اساس، نشان می‌دهد که روستاهای مرزی واقع شهرستان زاهدان با امتیاز توسعه‌ی برابر با ۰٫۶۵۱ دارای رتبه‌ی نخست برخورداری و توسعه‌یافته‌ترین روستاها و روستاهای مرزی واقع در شهرستان زابلی با مجموع امتیاز ۰٫۱۳۲ محروم‌ترین روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان از لحاظ برخورداری از شاخص‌های اقتصادی-رفاهی هستند. نتایج به دست آمده از تحلیل سلسله‌مراتبی و خوشه‌ای نشان می‌دهد که رتبه‌ی روستاهای نیمه‌محروم تفاوت چندانی با روستاهای محروم ندارد و اختلاف اندکی میان آن‌ها به چشم می‌خورد. جدول شماره‌ی ۶ و نیز شکل شماره‌ی ۳، امتیازات، رتبه و پراکنش فضایی توسعه‌ی خدمات اقتصادی-رفاهی را در سطح روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان به تفکیک ۹ شهرستان نشان می‌دهد.

جدول ۶. امتیازات و رتبه‌ی گزینه‌ها بر اساس برخورداری از شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی

شهرستان	فاصله از ایده‌آل توسعه	امتیاز توسعه	رتبه توسعه	سطح توسعه
زاهدان	۰/۰۶۶	۰/۶۵۱	۱	برخوردار
زابل	۰/۰۸۵	۰/۵۶۴	۲	نیمه محروم
هیرمند	۰/۰۸۴	۰/۴۷۸	۳	
زهک	۰/۰۹۹	۰/۳۸۷	۴	
خاش	۰/۱۸۹	۰/۳۶۴	۵	
سراوان	۰/۰۱۳۲	۰/۳۳۳	۶	
فیروزآباد	۰/۱۹۷	۰/۳۱۳	۷	محروم
سیب‌سوران	۰/۱۰۸	۰/۳۰۳	۸	
زابلی	۰/۰۹۷	۰/۱۳۲	۹	



شکل ۲. رتبه‌بندی روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان با توجه به آمایش فضایی شاخص‌های اقتصادی-رفاهی به تفکیک شهرستان

همچنان که جدول ۶ و شکل ۳ نشان می‌دهد، میزان برخورداری شهرستان‌های مورد مطالعه از شاخص‌های رفاهی-اقتصادی، مناسب نیست. این در حالی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که بخش کشاورزی محور توسعه تلقی شده و اهداف این بخش را در راستای توسعه اقتصادی، در بسیج کلیه امکانات ملی و همه بخش‌های اقتصادی به‌منظور نیل به خودکفایی در تولید کالاهای اساسی کشاورزی، تقویت توان اقتصادی روستاها و احیای آن به‌عنوان منبع و جایگاه اصلی تولید بیان داشته است. نابرخورداری روستاهای مرزی ایران و به‌ویژه روستاهای استان سیستان و بلوچستان از

امکانات اقتصادی با حداقل دو عامل یا دو ویژگی از توسعه نیافتگی و سازماندهی سیاسی نامطلوب فضا در ارتباط است. این دو ویژگی عبارت‌اند از: ویژگی‌های داخلی و خارجی. در باب ویژگی‌های داخلی، باید به مسئله توزیع فضایی تبعیض آمیز درآمدها اشاره کرد. شکی نیست که نابرابری در تمام کشورها وجود دارد، اما نابرابری در میان گروه‌های فقیر و ثروتمند در ایران به مراتب بیشتر است.

عامل بیرونی که بر سازماندهی سیاسی-اقتصادی نامطلوب در روستاهای استان سیستان و بلوچستان اثر می‌گذارد، این است که در مقایسه با کشورهای پیشرفته، کشور ایران از رشد بطئی درآمد سرانه برخوردار است. نقش تولیدی روستا جهت حصول به امنیت غذایی، مساعدت به بخش صنعت و نیز نقش صادرات غیرنفتی روستا در تولید ناخالص کشور و ایجاد فرصت‌های شغلی در ابعاد مکانی ازجمله آثار مناطق روستایی در توسعه ملی کشور است. تبعات ناشی از خالی شدن روستاها از جمعیت و غیرفعال شدن روستاها، از قبیل اقتصادی (وابستگی کشور به سایر کشورها، عدم تحقق رشد اقتصادی، بیکاری و...)، فرهنگی (عدم استفاده از تحصیل‌کردگان روستا، از بین رفتن آداب، سنن ملی و...) اجتماعی (افزایش طلاق، کاهش نرخ ازدواج، کاهش اعتمادبه‌نفس، افزایش حاشیه‌نشینی و...)، زیست‌محیطی (تخریب و از بین رفتن منابع، افزایش مخاطرات طبیعی و...) میراثی و تاریخی (از بین رفتن سند تاریخی و میراثی کشور به واسطه اینکه روستاها شکل‌دهنده شهرها بوده‌اند) و امنیتی (تهدید مرزها، خالی شدن مرزها، افزایش درگیری مرزی و بروز مشکلاتی در داخل کشور)، است. بر این اساس، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که بخش کشاورزی محور توسعه تلقی شده و اهداف این بخش را در راستای توسعه اقتصادی، در بسیج کلیه امکانات ملی و همه بخش‌های اقتصادی به‌منظور نیل به خودکفایی در تولید کالاهای اساسی کشاورزی، تقویت توان اقتصادی روستاها و احیای آن به‌عنوان منبع و جایگاه اصلی تولید بیان داشته است.

درواقع، عدم تجانس در توزیع فضایی امکانات در نواحی مرزی استان سیستان و بلوچستان، نشان می‌دهد که روستاهای مرزی این استان نیز از منظر اقتصادی در وضعیت مساعدی قرار ندارند. شهرستان زاهدان که از نظر شاخص‌های مورد مطالعه، برخوردارترین شهرستان استان است، همچنان از نظر وزن و رتبه‌ی برخورداری، جایگاه مساعدی دارد. از این‌رو، می‌توان استنباط کرد که حتی روستاهای این شهرستان نیز از توزیع متجانس و متناسب شاخص‌های رفاهی-اقتصادی بی‌بهره هستند. چنین فرایندی نشان می‌دهد که سازماندهی سیاسی-اقتصادی فضا در نواحی مرزی استان سیستان و بلوچستان و به‌ویژه در روستاهای این استان، ناکارآمد است.

(۵) نتیجه‌گیری

قلمروهای مرزی در کشورهای مختلف با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی آن‌ها از درجه‌ی اهمیت خاصی برخوردار است. در کشورهایی که از منظر ژئوپلیتیک، دارای مابه‌ازای محیطی قومی، نژادی یا دینی در آن‌سوی مرزها هستند، چگونگی مدیریت مرزها در مقایسه با دیگر کشورها از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. از منظر اقتصاد فضا، هرچه شاخص‌های رفاهی و اقتصادی در قلمروهای مرزی به‌صورت

همگن و متجانس توزیع شده باشد، واگرایی‌ها و نارضایتی‌ها در قلمروهای مرزی کاهش محسوسی می‌یابد. در مقابل، عدم کارآمدی دستگاه سیاسی-اقتصادی برای ایجاد توازن و تناسب در توزیع فضایی امکانات به‌ویژه در مناطق مرزی، سبب افزایش گسل‌ها و تنش‌های مرزی می‌شود. از این‌رو، سنجش سازمان سیاسی و اقتصادی فضا باهدف شناسایی چگونگی پراکنش فضایی توسعه و شناسایی تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های فضایی در مقیاس‌های مختلف فضایی و ازجمله در روستاها پرورده شده است. پژوهش حاضر، با چنین هدفی به بررسی چگونگی پراکنش توسعه در سطح روستاهای مرزی واقع در شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان پرداخته است. از میان شاخص‌های توسعه، زیرساخت‌ها و امکانات اقتصادی-رفاهی برگزیده شد تا به بررسی چگونگی مدیریت اقتصادی فضا در سطح روستاهای مرزی استان و بازتاب آن در سازمان سیاسی فضا پرداخته شود. از این‌رو، این با آگاهی از اهمیت شناخت وضعیت موجود جوامع و محیط‌های جغرافیایی به‌منظور برنامه‌ریزی مطلوب برای آینده از یک‌سو و اهمیت روستاها در برنامه‌ریزی توسعه پایدار از سوی دیگر و با توجه به اهمیت و ضرورت توسعه شاخص‌های اقتصادی-رفاهی به‌عنوان ابتدایی‌ترین نیازهای یک جامعه‌ی سالم، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از شاخص‌های مدنظر، به دنبال سنجش وضعیت توزیع و توسعه‌ی شاخص‌های اقتصادی-رفاهی در سطح روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان، مشخص کردن میزان اختلاف سطح توسعه و توجه بیش‌تر به مکان‌های محروم و توسعه‌نیافته است. در این پژوهش، آمایش فضایی شاخص‌های اقتصادی و رفاهی (با تأکید بر توسعه‌ی پایدار) در سطح روستاهای مرزی واقع در ۹ شهرستان استان سیستان و بلوچستان ارزیابی شد. نتیجه‌ی آزمون رابطه همبستگی میان رتبه جمعیتی و رتبه برخورداری از امکانات و خدمات اقتصادی-رفاهی روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان نشان داد که هرچند میان این دو رتبه، همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد، اما میزان این همبستگی چندان خوشایند و رضایت‌بخش نیست (۰,۲۶۹). این همبستگی ضعیف، نشانگر آن است که پراکنش فضایی امکانات اقتصادی - رفاهی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان با نیازهای جمعیتی نواحی مختلف آن هماهنگ و همخوان نبوده است. همچنین، با توجه به آنکه مدیریت اقتصادی فضا، بازتابی از کیفیت و معیاری از کارآمدی یا ناکارآمدی سازمان سیاسی فضا به شمار می‌رود، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق می‌توان گفت که سازمان سیاسی فضا در استان سیستان و بلوچستان از نظر توزیع متناسب شاخص‌های اقتصادی و رفاهی، ناکارآمد بوده است.

نتایج حاصل از این پژوهش، با پژوهش شهرکی مقدم و همکاران (۱۳۹۹) همسو است؛ این تحقیق نیز نشان داد که قلمروهای مرزی استان سیستان و بلوچستان باوجود برخورداری از ظرفیت‌های ژئواکونومیک و استراتژیک، به‌دلیل عدم تخصیص متناسب امکانات اقتصادی و رفاهی، در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برد. همچنین، یافته‌های تحقیق براینانز (۲۰۲۰) نیز با یافته‌های تحقیق حاضر همسو می‌باشد. همچنان که در تحقیق مذکور نیز ذکر شده است، طی یک دهه‌ی اخیر اقتصاد روستایی در ایران به‌صورت فرسایشی از میان رفته است و روستاها به‌ویژه در مناطق مرکزی به‌عنوان واحدهای فضایی تولید محسوب نمی‌شوند. چنین فرایندی سبب شده است تا امکانات و شاخص‌های رفاهی و اقتصادی نیز به سمت

شهرهای بزرگ و قطب‌های صنعتی-جمعیتی حرکت کند و نواحی پیرامونی و به‌ویژه روستاهای مرزی به‌عنوان واحدهای فضایی محروم و کم‌برخوردار قلمداد شوند.

۶) منابع

- آخوندی قهرودی، مرضیه، نظری، عبدالحمید، رستمی، شاه بختی، صلاحی اصفهانی، گیتی (۱۳۹۹)، تحلیل فضایی زیست‌پذیری اقتصادی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ری، فصلنامه‌ی اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۱۲۴۵-۲۶۵.
- اخباری، محمد، نامی، محمدحسن (۱۳۸۹)، جغرافیای مرز با تأکید بر ایران، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- پوراحمد، احمد (۱۳۹۰)، آمایش سرزمین و ایجاد تعادل در نظام شهر کشور، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۴۷۹-۴۹۰.
- پیشگاهی فرد، زهرا، میرزاده کوهشاهی، محسن (۱۳۹۳)، تبیین عوامل مؤثر در بحران‌زایی و مدیریت مرزهای ایران و پاکستان، فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال ۳۶، شماره ۳، صص ۸۰-۶۱.
- توفیق، فیروز، (۱۳۹۴)، آمایش سرزمین و تجربه‌ی جهانی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی تهران.
- حکمت‌نیا، حمید، موسوی، میرنجف، (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان یزد، فصل‌نامه‌ی جغرافیا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۱۲.
- رضائی، لاوین، رحمانی، بیژن، شفیعی ثابت، ناصر (۱۳۹۹)، نقش مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و مشارکت روستاییان در اقتصاد روستایی مورد: شهرستان بانه، فصلنامه‌ی اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۴۳-۶۴.
- زاهدی اصل، مهدی، (۱۳۹۱)، مبانی رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- سالنامه‌ی آماری استان سیستان و بلوچستان (۱۳۹۷)، زیرگروه شاخص‌های بهداشتی به تفکیک شهرستان، تهران: مرکز آمار ایران.
- شکویی، حسین (۱۳۸۴)، اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا: جلد دوم، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- شهرکی مقدم، حامد، کریمیان بستانی، مریم، انوری، محمودرضا (۱۳۹۹)، ترانزیت جاده‌ای و اثرات آن بر توسعه اقتصاد روستایی منطقه سیستان، فصلنامه‌ی اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۱۱۳-۱۳۰.
- ضرابی، اصغر، شیخ‌بیگلر، رحیم (۱۳۹۰)، سطح‌بندی شاخص‌های توسعه‌ی سلامت استان‌های ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۴۲، شماره ۱، صص ۱۲۸-۱۰۷.
- عزت‌پناه، بابک، شکوری، مهدی و مددی، اصغر (۱۳۹۳)، مدل‌سازی مکان‌یابی پارکینگ‌های طبقاتی با استفاده از روش AHP و شاخص همپوشانی وزنی در GIS (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی ۲ اردبیل)، فصلنامه‌ی آمایش محیط، سال ۲۷، دوره ۷، صص ۲۰-۱.
- عندلیب، عباس (۱۳۹۰)، نظریه‌ی پایه‌ی آمایش مناطق مرزی، تهران: انتشارات دوره‌ی عالی جنگ.
- عندلیب، عباس، مطوف، شهریار (۱۳۸۸)، توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، فصلنامه باغ نظر، سال ۶، شماره ۴، صص ۷۶-۵۷.

- کلانتری، خالد، عبدالله‌زاده، غفار (۱۳۹۱)، برنامه فضایی و آمایش سرزمین، تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
- متقی، افشین، صادقی، موسی (۱۳۹۴)، آمایش سرزمین و چالش‌های جغرافیای سیاسی پراکنش نامتقارن جمعیت در ایران، فصلنامه‌ی آمایش و توسعه، سال ۴، شماره ۱، صص ۱۵۲-۱۳۷.
- متقی، افشین، متقی، سمیرا (۱۳۹۳)، سنجش برخورداری و توسعه‌ی مناطق مرزی بر اساس روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (نمونه‌ی موردی: شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان شرقی)، فصلنامه‌ی مطالعات مرزی، سال ۳، شماره ۲، ۸۲-۶۳.
- متقی، افشین، ربیعی، حسین و مصیب قره‌بیگی (۱۳۹۴). تحلیل فضایی توسعه نواحی مرزی شرق کشور، مطالعه موردی: دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۴، شماره ۴، صص ۱۴۷-۱۶۷.
- ملک‌حسینی، علی، صفاری راد، عباس، قاسمی، احسان، رجبی امیرآباد، راحله (۱۳۹۴)، تحلیل سلسله‌مراتب شهری استان گیلان بین سال‌های ۹۰-۱۳۶۵ با استفاده از مدل لگاریتمی رتبه-اندازه، منحنی لورنز و ضریب جینی، فصلنامه‌ی آمایش محیط، سال ۳۰، دوره ۸، صص ۱۳۵-۱۱۱.
- یحیی‌پور، محمدصادق، قره‌بیگی، مصیب (۱۳۹۴)، چالش‌های مدیریت آمایشی کلانشهر تهران بر پایه‌ی نظریه‌ی رئالیسم انتقادی، فصلنامه‌ی آمایش محیط، سال ۳۰، دوره ۸، صص ۱۷۱-۱۵۳.
- Adshead, F., Thorpea, A., and Rutter, J. (2016). **Sustainable development and public health: A national perspective**, Public Health (120), 102-115.
- Bowen, W. (2014). **AHP: Multiple Criteria Evaluation**, in Klosterman, R. et al (Eds), Spreadsheet Model for Urban and Regional Analysis, New Brunswick: Center for Urban policy Research, 119P.
- Bradley, J. (2012). **Economic Development on the Island of Ireland: Differing Experiences of North and South**, in C. Mailhes (ed) *L'Irlande Aujourd'hui: Renouveau et Tradition*, Toulouse: Presses de l'Université des Sciences Sociales de Toulouse, 1-19.
- Briones, R.M. (2020). **Transformation and diversification of the rural economy in Asia**, IFAD: Fabrizio Bresciani, Regional Economist.
- Bucken-Knapp, G. (2013). **Shaping Possible Integration in the Emerging Cross-border Øresund Region**, European Studies: A Journal of European Culture, History and Politics 19(4), 13-30.
- Bufon, M. (2012). **Cross-Border Co-operation in the Upper Adriatic**, Regional and Federal Studies 12 (4): 177-196. Reprinted in J. Anderson, L. O'Dowd, and T. M. Wilson (eds) (2003) *New Borders for a Changing Europe: Cross-border Cooperation and Governance*, London: Frank Cass, 177-196.
- Busch, B. (2013). **Shifting Political and Cultural Borders: Language and Identity in the Border Region of Austria and Slovenia**, European Studies: A Journal of European Culture, History and Politics 19 (1), 33-57.
- Cizre, Ü. (2011). **Turkey's Kurdish Problem: Borders, Identity and Hegemony**, in B. O'Leary, I. Lustick, and T. Callaghy (eds). *Right-Sizing the State: The Politics of Moving Borders*, Oxford: Oxford University Press, 222-252.
- Coakley, J. (2012). **National Territories and Cultural Frontiers: Conflicts of Principle in the Formation of States in Europe**, West European Politics, 5 (4), 34-49.
- Cohen, Y. A. (2019). **Social Boundary Systems**, Current Anthropology 10 (1), 103-26.
- Conversi, D. (2014). **Nationalism, Boundaries, and Violence**, Millennium, 28, 553-84.
- Cunningham, H. (2012). **Transnational Social Movements and Sovereignities in Transition: Charting New Interfaces of Power at the US-Mexico Border**, Anthropologica XLIV, 185-196.
- Distaso, A. (2017). **Well-being and/or quality of life in EU countries through a multidimensional index of sustainability**, Ecological Economics (64), 163-180.

- Donnan, H. (2011). **The Border as Limit and Locale: Exclusion and Difference**, in L. Leontidou, A. Afouxenidis, H. Donnan, V. Matias-Ferreira, A. Garcia-Lizana, X. Peraldi, A. Gasparini, M. Zago and J. Gow Border cities and towns: Causes of social exclusion in peripheral Europe, Targeted Socio-Economic Research (TSER) SOE2-CT97-3048, Brussels: European Commission, 40-4.